

«علوم تربیتی»

سال چهارم - شماره ۱۳ - بهار ۱۳۹۰

ص.ص. ۶۷-۷۸

بررسی شیوه‌های فرزند پروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب

پریسا رحمانی^۱

نعیمه محب^۲

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر مقایسه شیوه‌های فرزند پروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب در کودکان پیش‌دبستانی بود. در این راستا ۲۰۰ کودک پایه پیش‌دبستانی که با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند، که از این بین ۱۰۲ کودک دارای اضطراب فراگیر و ۹۸ نفر باقیمانده فاقد اضطراب بودند. فرضیه‌های تحقیق به طور کلی عبارت از این بودند که بین دو گروه از کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک‌های فرزندپروری (مستبدانه، سهل‌گیر، مقتدرانه) والدینشان تفاوت وجود دارد. و همچنین بررسی تفاوت بین دو گروه از کودکان سالم و مضطرب از لحاظ جو عاطفی خانواده. برای سنجش فرضیه‌ها از سه مقیاس پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI4)، پرسشنامه جو عاطفی و پرسشنامه فرزند پروری دیاناباوم استفاده گردید و یافته‌ها اکثر فرضیه‌های تحقیق و همچنین سؤال تحقیق را تأیید کردند و بر یافته‌های پژوهش‌های پیشین صحت گذاشتند.

واژگان کلیدی: جو عاطفی خانواده، شیوه‌های فرزندپروری، اضطراب فراگیر، پیش‌دبستانی

۱- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی (عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه روانشناسی، تبریز، ایران.

مقدمه

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال‌ها نظر متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط را فراهم می‌کند. کودک در خانواده نگرش‌های اولیه را درباره جهان فرا می‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و اجتماعی می‌شود (هیبتی، ۱۳۸۱). هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش بکار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شود، متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌باشد (بخشی، ۱۳۷۸).

بامریند^۱ (۱۹۷۱، ۱۹۶۶) الگوی نسبتاً متفاوتی برای سبک‌های تربیتی ارائه کرده است:

الف - سبک تربیتی استبدادی: والدین واجد این سبک تربیتی می‌کوشند تا رفتار کودک را طبق ارزش‌ها و معیارهای مطلق و سنتی، کنترل و ارزیابی کنند. از ویژگی‌های این سبک تربیتی، اطاعت و فرمانبرداری، پرهیز از تشویق‌های کلامی و کاربرد روش‌های انضباطی سخت و زورمندانه است.

ب - سبک تربیتی قاطع و اطمینان بخش: والدین دارای این سبک تربیتی تلاش می‌کنند تا به فعالیت‌های کودک جهت‌گیری‌های روشن و محکم همراه با آزادی‌های معقول و محدودیت‌های منطقی بدهند. همچنین می‌کوشند تا در اجرای برنامه‌ها از دلایل و توضیحات منطقی استفاده کنند.

ج - سبک تربیتی سهل‌گیر: والدین واجد این سبک تربیتی سعی بر آن دارند که محیطی پذیرا، تأییدکننده و آرام برای کودکان خود بوجود آورند. به رغم این جنبه‌های مثبت تربیتی، آنان از کودکان خود در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها انتظارات معینی ندارند.

دیر زمانی است که معلوم شده برخی از گرایش‌های تربیتی والدین با پیدایش رفتارهای غیرانطباقی کودکان رابطه دارد (بکر^۲، ۱۹۶۹) و (فرانز^۳، ۱۹۹۱). پژوهش‌های بسیاری که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکان و روش‌های تربیتی انجام شده، نشان می‌دهند که روش‌های تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، انتظارات و در نهایت بر شخصیت افراد در آینده دارند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود یا اظهار نظر کنند، مانع بروز هیجانات و احساسات درونی کودک می‌شوند و در نتیجه این کودکان در آینده افرادی روان آزرده، مضطرب و پریشان خواهند شد (احمدیان، ۱۳۸۴). عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب در بیشتر موارد

- Baumrind

- Becker

- Franz

آنان را با کمبودهای عاطفی و انگیزش و مشکلات روانی از جمله اختلالات اضطرابی روبرو می‌سازد (گنجی، ۱۳۷۳).

اختلالات اضطرابی یکی از اختلالات روانی شایع دوران کودکی است. مطالعات حاکی از آن است که در حدود ۸-۱۲٪ کودکان دچار انواع اختلالات اضطرابی هستند، که نشان دهنده میزان اهمیت این اختلال می‌باشد. از جمله اختلالات اضطرابی شایع در دوران کودکی می‌توان به اضطراب جدایی، اضطراب فراگیر، اضطراب فراگیر، اختلال وحشت‌زدگی با و یا بدون گذر هراسی، اختلال وسواس فکری و عملی، و هراس‌های خاص اشاره کرد (بیدل^۱، ۲۰۰۵). اختلال اضطراب فراگیر عبارت است از اضطراب یا نگرانی عمومی یا غیر واقع بینانه. کودکان بیش از حد درباره‌ی امور درسی و آینده نگران و معمولاً عصبی و پریشان هستند. این کودکان غالباً به عنوان «بزرگسالان کوچک» تلقی می‌شوند. برای مثال کودک، پیوسته نگران اتفاقات آینده در زندگی خانوادگی و روبه راه بودن اوضاع است که این موارد به سؤال کردن یک ریز در مورد آخرین اخبار و اطلاعات از مادرش منجر می‌شود (جانگسما، ۱۳۸۷).

در ویراست چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM-IV) تشخیص اختلال اضطراب فراگیر وقتی مطرح می‌شود که حداقل یکی از نشانه‌های فیزیولوژیک، بی‌قراری، زود خسته شدن، مشکل تمرکز حواس یا مات و مبهوت ماندن، تحریک‌پذیری، تنیدگی عضلانی و اختلال خواب وجود داشته باشد. این نشانه‌ها باید در کارکردهای مهم کودک اختلال ایجاد کنند. شروع می‌تواند ناگهانی یا تدریجی باشد و نشانه‌ها نیز بر اثر فشار روانی شدید می‌شوند (شرودر^۲، ۱۳۸۵). کسلر^۳؛ کالر و ویتچن (۲۰۰۱) در پژوهشی نشان دادند که اضطراب فراگیر اختلال روانی شایعی است که سن شروع آن پایین است، سیر مزمن دارد.

هالاها و همکاران طی پژوهشی رابطه بین حمایت‌های والدین با شیوه‌های مقابله با استرس فرزندان و سازگاری روانی آنان را مورد بررسی قرار دادند. بررسی آنان بر روی ۲۴۱ نوجوان ۱۸ سال انجام شد. نتیجه حاصله این بود که بین حمایت‌های اجتماعی از طرف والدین و روابط بدون تنش والدین با سازگاری روابط بچه‌ها رابطه مثبت وجود دارد. نوجوانانی که از حمایت بالای والدینشان برخوردار بودند، با شرایط بهتر سازگار می‌شوند و کمتر دچار اضطراب می‌شوند که این سازگاری ناشی از به کارگیری شیوه‌های مقابله‌ای مناسب بود. همچنین آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که هر چند در

- Beidel
- Scherouder
- Kessler

سال‌های آخر نوجوانی کسب استقلال از مهم‌ترین مسائل نوجوانان محسوب می‌شود، ولی حمایت، همدلی و پذیرش والدین، برای رشد روانشناختی اساسی است (به نقل از بامریند^۱، ۱۹۶۶).

همچنین ولفرت و همکاران، طی پژوهشی که بر روی ۲۷۶ نوجوان دبیرستانی انجام دادند، دریافتند که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با اضطراب، افسردگی و سازگاری نوجوانان همبستگی مثبتی وجود دارد. و نوجوانان دارای والدین با سبک استبدادی نمرات بیشتری در آزمون اضطراب و افسردگی نمرات بیشتری کسب کردند (ولفرت^۲، ۲۰۰۳). پتیت، بیتز و داج در مطالعه‌ای تأثیر حمایت‌های اولیه را روی سازگاری کودکان در مدرسه مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها حاکی از آن بود که حمایت‌کنندگی والدین موجب سازگاری بهتر در رابطه با مشکلاتی همچون مشکلات رفتاری، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی می‌گردد (پینتریچ^۳، ۱۹۹۰). کاتانین و همکاران در تحقیقی که در مورد خلق و خوی کودکان و نگرش‌های فرزندپروری مادران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های انضباطی سخت‌گیرانه مادران هیجان‌های منفی و اجتماعی بودن پایین کودکان را توسعه می‌دهد. بطور کلی اغلب تحقیقات نشان از تأثیر شیوه فرزند پروری والدین بر اخلاق، رفتار، شخصیت و عملکرد بعدی فرزندان دارند (کاتانین^۴، ۱۹۹۷).

هدف از پژوهش حاضر مقایسه شیوه‌های فرزند پروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب است که در این رابطه فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردند:

- ۱- بین دو گروه از کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری مستبدانه والدینشان تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین دو گروه از کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری سهل‌گیر والدینشان تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین دو گروه از کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری مقتدرانه والدینشان تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین دو گروه از کودکان سالم و مضطرب از لحاظ جو عاطفی خانواده تفاوت وجود دارد.

نمونه و روش نمونه‌گیری

از آنجا که نمونه مورد مطالعه در برگیرنده دو گروه مادران کودکان عادی و دارای اختلال اضطراب فراگیر است، به منظور گزینش نمونه عادی از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و در گزینش نمونه داری اضطراب از روش نمونه هدفمند استفاده شد. در انتخاب مادران کودکان عادی با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ۹۸ کودک دختر و پسر پایه پیش‌دستانی به طور تصادفی از مراکز پیش‌دستانی شهر تبریز انتخاب شدند. اما انتخاب کودکان دارای اضطراب فراگیر از طریق گزینش کودکان پایه پیش‌دستانی صورت گرفت که با استفاده از فرم والدین پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI4) دارای اضطراب شناسایی شده بودند. به این ترتیب ۱۰۲ کودک دارای اضطراب فراگیر نیز به نمونه اضافه گشته و حجم کل نمونه به ۲۰۰ کودک رسید. برای بررسی رابطه بین اضطراب فراگیر با شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی از آزمون t مستقل استفاده شد.

ابزار اندازه‌گیری

در پژوهش حاضر سه پرسشنامه: پرسشنامه جو عاطفی، پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری و همچنین فرم والد پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI4)، برای تعیین اختلال اضطراب فراگیر کودکان، مورد استفاده قرار گرفت.

پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI4)

پرسشنامه علائم مرضی کودکان (CSI4)، یک مقیاس درجه بندی رفتار است که اولین بار در سال ۱۹۸۴ توسط اسپیرافکین و گادو بر اساس طبقه‌بندی DSM-III به نام SLUG به منظور غربال ۱۸ اختلال رفتاری و هیجانی در کودکان ۵ تا ۱۲ سال طراحی شد. بعدها در سال ۱۹۸۷ فرم CSI-3R به دنبال طبقه بندی DSM-III-R ساخته شد و در سال ۱۹۹۴ با چاپ چهارم DSM-IV با تغییرات اندکی مورد تجدید نظر قرار گرفت و با نام CSI-4 منتشر شد. CSI-4 همانند فرم‌های قبلی دارای دو فرم والد و معلم است. فرم والدین دارای ۹۷ سؤال است که برای ۱۱ گروه عمده و یک گروه انسانی از اختلال‌های رفتاری تنظیم شده است. ضرایب پایایی بازآزمایی یا اجرای مجدد آزمون برای اختلال‌های تشخیصی کودک از پایین‌ترین حد (۰/۲۹) برای اختلال اضطراب فراگیر (SP) تا بالاترین حد (۰/۷۶) برای اختلال سلوک (D) برآورد شد، که همگی به استثناء اختلال اضطراب فراگیر (SP) در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنی‌دار هستند. لذا نتایج روائی و پایایی CSI-4 مورد تأیید قرار گرفت. در مجموع، نتایج پژوهش در زمینه بررسی پایایی CSI-4 با روش اجرای مجدد آزمون نشان می‌دهد که این پرسشنامه به عنوان ابزار سنجش اختلال‌های رفتاری و هیجانی در کودکان ایرانی از پایایی نسبی خوبی در فرم والدین

برخوردار است و به عنوان یک ابزار غربالگری اختلال‌های رفتاری و هیجانی در کودکان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (محمداسماعیل، ۱۳۸۲).

پرسشنامه جو عاطفی:

اولین بار توسط هیل برن در سال ۱۹۶۴ برای سنجش روابط مادر با فرزند طرح شد و دارای هفت خرده مقیاس محبت، نوازش، تأثیر، تجربه‌های مشترک، تشویق، اعتماد و امنیت می‌باشد. کل مقیاس شامل ۱۴ پرسش با طیف لیکرت خیلی کم تا خیلی زیاد است که نمره گذاری به صورت ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) در نظر گرفته شده است. پایایی آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد شد، در ضمن روایی محتوایی آزمون مورد تأیید تعدادی از متخصصین روانشناسی قرار گرفته است.

پرسشنامه فرزندپروری:

این پرسشنامه که در سال ۱۹۷۲ توسط دیانا باوم ریند طراحی شد، شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش مربوط می‌شود. الگوی پاسخگویی به سؤال‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت تبعیت می‌کند. بدین صورت که از مادر خواسته می‌شود تا از بین ۵ پاسخ کاملاً موافقم، موافقم، مطمئن نیستم، تقریباً مخالفم و مخالفم، پاسخی را انتخاب کند که مطابقت بهتری با وضعیت موجود دارد. علاوه بر الگوی پاسخ‌دهی، نمره گذاری سؤالات پرسشنامه دیانا باوم بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد که با جمع نمرات سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا بدست می‌آید.

پرسشنامه دیانا باوم در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن بدست آمده است. چنانچه بوری در سال ۱۹۹۱ پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیری، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه قاطع و اطمینان بخش گزارش نمود. همچنین وی با استفاده از روایی تشخیصی، نشان داد که روش استبدادی مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۳۸-)، روش قاطع و اطمینان بخش (۰/۴۸-) دارد. علاوه بر این اسفندیاری (۱۳۷۴) نیز پایایی آزمون بر روی یک نمونه ۱۲ نفری از مادران را به شیوه بازآزمایی و با فاصله زمانی یک هفته به ترتیب برای شیوه سهل‌گیری (۰/۶۹)، شیوه استبدادی (۰/۷۷)، و شیوه قاطع و اطمینان بخش (۰/۷۳) گزارش نمود. روایی محتوایی آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روانشناسی و روانپزشکی مورد تأیید قرار گرفت. در کل نتایج بدست آمده از مطالعات خارجی و داخلی، اعتبار و روایی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری را مورد تأیید قرار می‌دهد.

یافته‌ها

جهت آزمون فرضیه کلی، بررسی تفاوت سبک فرزندپروری بین دو گروه کودکان سالم و مضطرب از آزمون t مستقل استفاده شد.

جدول ۱: بررسی تفاوت سبک فرزندپروری بین دو گروه کودکان سالم و مضطرب

سبک فرزندپروری	گروه کودکان	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف میانگین	آزمون t	درجه آزادی df	سطح معنی داری P
سبک سهل گیر	سالم	۱۲۵	۱۲/۰۲	۳/۳۷	۰/۳۳	۲/۵۸	۱۹۸	۰/۰۰۱
	مضطرب	۷۵	۱۵/۰۸	۴/۱	۰/۶۲			
سبک منطقی	سالم	۱۲۵	۳۱/۶۸	۴/۱۶	۰/۳۱	۴/۶۷	۱۹۸	۰/۰۰۰
	مضطرب	۷۵	۲۷/۲۴	۱/۰۹	۰/۲۱			
سبک استبدادی	سالم	۱۲۵	۱۱/۱۶	۳/۳۷	۰/۳۳	۲/۴۱	۱۹۸	۰/۰۱۷
	مضطرب	۷۵	۱۴/۹۶	۴/۳۹	۰/۶۷			

طبق آزمون t-test انجام گرفته ملاحظه می‌گردد، سطح معنی داری آزمون سبک سهل گیر $p=0/001$ و زیر $0/05$ می‌باشد و $t=3/24$ ، یعنی بین دو گروه کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری تفاوت معنی داری وجود دارد و میانگین سبک سهل گیر در گروه سالم ($m=12/02$) کمتر از گروه کودکان مضطرب ($m=15/08$) می‌باشد.

همچنین طبق جدول بالا ملاحظه می‌گردد، سطح معنی داری آزمون سبک منطقی $p=0/000$ و زیر $0/05$ می‌باشد و $t=4/67$ ، بین دو گروه کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری منطقی تفاوت معنی داری وجود دارد و میانگین سبک منطقی در گروه سالم ($m=31/68$) بیشتر از گروه کودکان مضطرب ($m=27/24$) می‌باشد.

و طبق آزمون t-test انجام گرفته ملاحظه می‌گردد، سطح معنی داری آزمون سبک استبدادی $p=0/017$ و زیر $0/05$ می‌باشد و $t=2/4$ ، یعنی بین دو گروه کودکان سالم و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری تفاوت معنی داری وجود دارد و میانگین سبک استبدادی در گروه سالم ($m=11/16$) کمتر از گروه کودکان مضطرب ($m=14/96$) می‌باشد.

برای آزمون فرضیه شماره ۲ از آزمون t مستقل استفاده شد، به این صورت که ابتدا رابطه هر یک از فاکتورهای پرسشنامه جو عاطفی با اضطراب، و در آخر رابطه بین نمره کل جو عاطفی را با هراس اجتماعی بررسی نمودیم. که نتایج حاصل به شرح ذیل است:

جدول ۲: بررسی تفاوت میانگین‌های بین دو گروه از کودکان مضطرب و سالم از نظر مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده

سطح معنی‌داری P	درجه آزادی df	آزمون t	انحراف میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه کودکان	مؤلفه‌های جو عاطفی
.۰۰۰۰	۱۹۸	۳/۸۱	۰/۱۲	۱/۲۱	۸/۱۶	۹۸	سالم	محبت
			۰/۱۲	۱/۲۴	۷/۵	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۷۰	۵/۹۹	۰/۰۹۳	۰/۹۲	۸/۳۸	۹۸	سالم	نوازش
			۰/۱۴۷	۱/۴۸	۷/۳۴	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۷۹	۵/۳۸	۰/۱۴	۱/۴۴	۷/۵۹	۹۸	سالم	تأیید کردن
			۰/۱۰	۱/۰۸	۶/۶۱	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۹۸	۹/۱۱	۰/۱۵	۱/۴۹	۷/۴۷	۹۸	سالم	تجربه مشترک
			۰/۱۵	۱/۵۵	۵/۵۰	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۷۹	۵/۴۷	۰/۰۸	۰/۸۷	۸/۸۹	۹۸	سالم	هدیه دادن
			۰/۱۲	۱/۲۸	۸/۰۴	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۹۸	۶/۷۶	۰/۱۱	۱/۱۰	۸/۲۶	۹۸	سالم	تشویق
			۰/۱۰	۱/۰۸	۷/۲۱	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۹۰	۲/۹۱	۰/۱۲	۱/۲۶	۷/۵۶	۹۸	سالم	اعتماد کردن
			۰/۱۰	۱/۰۶	۷/۰۷	۱۰۲	هراس اجتماعی	
.۰۰۰۰	۱۹۸	۵/۶۸	۰/۱۴	۱/۴۱	۷/۴۴	۹۸	سالم	احساس امنیت
			۰/۱۲	۱/۳۰	۷/۳۵	۱۰۲	اضطراب فراگیر	
.۰۰۰۰	۱۷۲	۱۷/۸	۰/۳۰	۲/۹۸	۶۲/۶۳	۹۸	سالم	نمره کل جو عاطفی
			۰/۴۶	۴/۶۵	۵۲/۸۲	۱۰۲	اضطراب فراگیر	

مطابق آزمون t-test انجام گرفته و جدول شماره (۲) ملاحظه می‌گردد، سطح معنی‌داری آزمون $p=0/000$ تمامی فاکتورهای پرسشنامه جو عاطفی زیر $0/05$ می‌باشد، بنابراین فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. یعنی میزان تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه جو عاطفی، اعم از محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، و احساس امنیت در بین کودکان سالم و کودکان دارای اضطراب فراگیر تفاوت معنی‌داری دارد. در خانواده‌های کودکان سالم میزان تمامی مؤلفه‌های پرسشنامه جو عاطفی کردن بیشتر از کودکان دارای اضطراب فراگیر است و کودکان سالم از محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، و احساس امنیت بیشتری برخوردارند.

همچنین طبق جدول شماره (۲) ملاحظه می‌گردد، سطح معنی‌داری آزمون $p=0/000$ و زیر $0/05$ می‌باشد و $t=17/8$ ، بنابراین فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد. یعنی نمره کل جو عاطفی خانواده در بین کودکان سالم و کودکان دارای اضطراب تفاوت معنی‌داری دارد. در خانواده‌های کودکان سالم نمره کل جو عاطفی خانواده بیشتر از کودکان دارای اضطراب است و کودکان سالم از جو عاطفی خانواده بالاتری برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی خانواده نقش بسیار مهمی در رشد و سلامت روانی کودک ایفا می‌کند، در این بین شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ارکان خانواده در تربیت و رشد روانی کودک است. عدم توجه والدین به سالم‌سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی و انگیزش و مشکلات روانی از جمله اختلالات اضطرابی روبرو می‌سازد (گنجی، ۱۳۷۳).

تحقیقات بسیاری بر اهمیت نقش دو عامل شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی در بروز و تشدید اختلالات رفتاری و اضطرابی اشاره کرده‌اند که به برخی از این تحقیقات در بخش‌های پیشین اشاره کردیم. از جمله تحقیق ولفرت و همکاران (ولفرت، ۲۰۰۳)، که نشاندهنده این موضوع بود که نوجوانان دارای والدین با سبک فرزندپروری استبدادی بیشتر دارای اضطراب و افسردگی می‌باشند و یا تحقیق سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۸۸)، مبتنی بر این نتیجه که افسردگی و اضطراب پایین‌تر در بین نوجوانان پسر، حاصل اعمال پذیرش و کنترل والدین و سبک‌های فرزندپروری مورد استفاده والدین می‌باشد. طبق نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، ملاحظه می‌گردد که بین دو گروه از کودکان عادی و مضطرب از لحاظ سبک فرزندپروری تفاوت وجود دارد، و مادرانی که دارای سبک مستبدانه و سهل‌گیر در پرورش فرزندان خود می‌باشند به احتمال بیشتری دارای کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر می‌باشند.

همچنین پیرو نتایج بدست آمده مشاهده می‌گردد که بین دو گروه از کودکان عادی و مضطرب از لحاظ تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی در آزمون جو عاطفی، یعنی هفت خرده مقیاس محبت، نوازش، تأثیر، تجربه‌های مشترک، تشویق، اعتماد و امنیت تفاوت وجود دارد، و کودکان سالم در مقایسه با کودکان دارای اضطراب فراگیر از محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، و احساس امنیت بیشتری برخوردارند. بررسی وجود رابطه بین دو عامل مورد بررسی، جو عاطفی خانواده و شیوه‌های فرزندپروری که به عنوان سؤال پژوهش مطرح شده بود، حاکی از آن است که همبستگی بین نمره کل جو عاطفی خانواده با نمرات حاصل از سه شیوه فرزندپروری مثبت می‌باشد.

نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین، تأیید کننده نقش بسیار مؤثر و غیر قابل انکار خانواده، به خصوص شیوه‌های تربیتی والدین و همچنین جو عاطفی خانواده، بر سلامت روانی و احساسی کودک می‌باشد. والدین می‌توانند با بکارگیری شیوه‌های تربیتی صحیح و فراهم آوردن محیطی غنی از محبت و عواطف سلامت روانی حال و آینده کودکان خود را تضمین کرده و از بروز بسیاری از اختلالات روحی از جمله اختلالات اضطرابی در کودک خود پیشگیری به عمل آورند.

مآخذ

احمدیان، ف.، (۱۳۸۴). **رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خود کارآمدی و سرآمد دانش**

آموزان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تبریز، تبریز، ۷۶-۵۰.

بخشی، ا.، (۱۳۷۸). **بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری مادران با انگیزش پیشرفت**

تحصیلی و مرکز کنترل فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تبریز، تبریز، ۸۵-۱۲۰.

جانگسما، آرتور ای؛ پترسون، ال. مارک و مک اینیز، ویلیام پی (۱۳۸۷). **راهنمای گام‌به‌گام درمان**

شکست روانی کودکان (روان درمانی کودک). (سید علی کیمیایی؛ احمد امیدوار، مترجمین)

تهران: رشد.

سیفی گندمانی، م؛ و همکاران (۱۳۸۸). **سنخ‌شناسی فرزندپروری خانواده (ترکیب سبک**

فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردهی

نو به فرزندپروری، مجله‌ی علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال ۱۱، شماره ۳، صفحه

۱۹۴-۱۸۵.

شرودر، کی. اس.، گوردون، بی. ان (۱۳۸۵). **سنجش و درمان مشکلات دوران کودکی**، مترجم

مهرداد فیروزبخت، تهران: دانش.

گنجی، ح.، (۱۳۷۳). **روانشناسی عملی**، تهران: نشر ایران.

محمد اسماعیل (۱۳۸۲). بررسی اعتبار، روائی و تعیین نقاط برش اختلال‌های پرسشنامه علائم مرضی کودکان بر روی دانش‌آموزان ۱۴-۶ ساله مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر تهران، تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.

هیبتی، خ.، (۱۳۸۱). بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آنها با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر زرقان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز: ۱۳۰-۱۴۵.

Baumrind. D., (1966). " **Effects of authoritative parental control on child behavior**", child development, vol.37, pp.887-907, USA.

Baumrid, D., (1971). "**Current patterns of parental authority**". Developmental psychology monographs, vol.4, pp.1-103, USA.

Beidel D.C., Ferrell, C. AL Fano, C.A. and Yeganeh, R, (2001)."**The treatment childhood social anxiety disorders**", psychiatric clinics of North American, vol. 24(4), PP. 831-846.

Beidel, D.C., & Turner, S.M., (2005). "**Childhood Anxiety Disorder: A Guide to Research and Treatment**". New York: Routledge.

Becker, W.C, (1969),"**Consequences of different kinds of parented discipline. In M.L. Hoffmon & L.W. Hoffmen (Eds)**", Review of chilled development research, New york: russel sage foundation.

Franz, C.B., Mcclelland, D.C., & Weinberger, J., (1991)."**childhood antecedents of conventional social accomplishment in adults: A 36- year prospective study**", journal of personality and social psychology, vol. 60, pp. 586-595, USA.

Ginsbary, G.S., LaGrew. Am. & silverna WK. (1998). "Social Anxiety in children with anxiety Disorder: Relation with social and emotional functioning," Abnormal child psychology journal, Vol. 26(3), pp. 175-85, USA.

Katanin, S. et al. (1997). "**Childhood temperament and mother's child rearing attitude**". European Journal of personality. Vol.11, pp.249-265.

Kessler RC, Keller MB, & Wittchen HU. (2001). "**The Epidemiology of Generalized Anxiety Disorders**". Psychiatr Clin North AM, 24(1): 19-39.

Moore, P.S., Whalay, S.E., and M., Sigman, (2004). "**Interactions between Mothers and children: Impacts of Material and child Anxiety**", Child Adolescence Psychiatry clinics, Vol.14(4), pp.707, North America.

Pintrich, P.R., & De Groot, E.V., (1990). "**Motivation and self – regulated learning**". Journal of Educational psychology. vol, 82 p. 33-40.

Volfradt, U., Hampel, S., & Miles J.N., (2003)."**Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents,**" Personality and Individual Differences, Vol.34(3), pp.521-532, USA, February.

**A comparison of child rearing method and affective climate of a family
a child suffering from free floating anxiety and those without anxiety**

Prissa Rahmani, M. A
Naeimeh mohebb. Ph. D.

Abstract

The objective of the study is to compare the child rearing methods and affective climate of a family having a child suffering from free floating anxiety and those without anxiety in preschool level. Multistage random sampling was used to select 200 preschool children out of which 102 child had free floating anxiety and the remained 98 child had no anxiety. The hypotheses were about two groups of healthy and anxious children who were examined against their parents' child rearing styles (despotically, easy going and authoritatively), the affective climate, as well, to find the differences among them. To gather the data three kinds of questionnaire were used, namely (child symptom Inventory (CSI)), Affective climate inventory and child rearing inventory. The results confirmed all the hypotheses and were along the previous researches.

Key words: Family affective climate, child rearing methods, free floating anxiety, preschool